

شعارها و مطالبات روز سه شنبه معلمان یک بررسی کوتاه



صلاح سرداری

نظیرترین حرکات اعتراضی علیه این رژیم جنایتکار بوده است. با توجه به جایگاهی که این حرکت در مبارزات مردم دارد لازم می دانم هر چند کوتاه جنبه هایی از مطالبات و شعارهای این اعتراض اشارتی داشته باشم. طبعاً نکات بسیار مهم و فراوانی برای بررسی وجود دارند اما من به مواردی از آنها بسنده خواهم کرد.

یکی از نکات برجسته این تظاهرات عبور از تشکل ها و نهادهای رسمی و قانونی در چهار چوب رژیم بود این تظاهرات در حالی برگزار گردید که فرمانداری تهران و سایر نیروهای سرکوبگر، آن را غیر قانونی، و تشکل

های دولتی دوم خردادی نظیر جبهه متحد فرهنگیان، خانه معلم و.... اعلام کرده بودند که در آن شرکت نمی کنند همچنین مقامات ریز و درشت دولت و آموزش و پرورش، روزنامه های هر دو جناح نیز مرتباً با تیتراژ درشت این غیرقانونی بودن را منعکس کردند و نوشتند که تظاهرات برگزار نمی شود. اما معلمین مبارز و رهبران آنها موقعیت را درست تشخیص داده و کوچک ترین پیشیزی برای تصمیم دولت و رسانه های وابسته به رژیم قائل نشدند و حرکت با شکوه خود در خیابان های تهران را سازمان دادند.

نکته ای دیگر که در این تظاهرات برجسته بود شعارهای برابری طلبانه و چپ بود. شعارهایی

که بخاطر خفقان شدید و کشتار و زندان و شکنجه مردم به جان آمده، مدت ها بود نتوانسته اند آن را سر دهند. شعارهایی که جمعیت انبوه با خشم و حرارت علیه جنایتکاران جمهوری اسلامی می دادند و تهران را به لرزه در آورده بود. شعاری که می گوید "حقوق معلم باید به اندازه حقوق نماینده باشد" نماینده نیست کو ماشین خوشکلت کو" "ما زیر خط فقریم اما زیر خط فهم نیستیم" "معلم بپاخیز برای رفع تبعیض" "وای اگر سه شنبه مشکل ما حل نشده" "کروبی بیرون نیاد وارد مجلس می شیم" و شعارهای دیگری در مورد غارت و چپاول

صفحه ۲

ایسکرا می پرسد

صفحه ۴

چند گزارش خبری

صفحه ۳



سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

پیام به مردم آزادیخواه در کردستان شنبه ۶ بهمن به صف اعتراض عمومی علیه جمهور اسلامی پیوندیم



مردم آزادیخواه، معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، کارگران، زنان

معلمان تهران برای روز شنبه ۶ بهمن اعتصاب و تظاهرات سراسری را اعلام کرده اند. مطالبات و مبارزات معلمان، مطالبه و مبارزه همه ما مردم محروم و آزاده در جامعه است. با برپایی تظاهرات در جلو آموزش و پرورش و یا در میدانی مرکزی هر شهر در اعتراض عمومی روز شنبه علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق خواسته های فوری معلمان، برای رهایی از آموزش و پرورش مذهبی و فقر

نقطه عطفی بزرگ و یک روز تاریخی در مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه باشد. میتواند جمهوری اسلامی و سرکردگان جنایتکار آن رهبر و دولت و مجلس را باز هم به عقب براند و راه را برای پیشرویهایی بیشتر مبارزات آزادیخواهانه توده های مردم ایران باز کند. میتواند گام مهمی در راستای پایان دادن به جهل و خرافه، نابرابری، تبعیض، خفقان، زن ستیزی و حکومت مذهب و اسلام باشد. به هر شیوه ممکن و با برپایی تظاهرات صف مبارزاتی روز ۶ بهمن را تقویت کنیم و گسترش دهیم.

و فلاکت و دستیابی به زندگی شایسته و انسانی شرکت کنیم. انتظار ما اینست روز شنبه ۶ بهمن شهرهای کردستان همگام با دیگر شهرهای ایران شاهد اعتراضات گسترده شما مردم آزادیخواه علیه رژیم جنایتکار اسلامی و حاکمان قاتل و لمپن و متحجر و منفور اسلامی باشد. به میدان بیایید، روز ۶ بهمن روز درس دادن به دشمنان مردم و قدرت نمایی مردم تشنه آزادی در ایران است.

پیش بسوی تظاهراتی باشکوه

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۴ بهمن ۱۳۸۰
۲۴ ژانویه ۲۰۰۲

سخنی با فعالین کمونیست اسد گلچینی
صفحه ۴

هلاله طاهری
صفحه ۳



قتل ناموسی در قلب اروپای متمدن!

قتل ناموسی در قلب اروپا



فاطمه

روز ۲۱ ژانویه در شهر اپسالای سوئد، قلب نازنین فاطمه، دختر ۲۶ ساله، به دست پدر ناموس پرست و مرتجعش با ضربات گلوله از طیش افتاد. فاطمه به همراه خانواده اش در سن هفت سالگی از یکی از روستاهای کردستان ترکیه مهاجرت کرده و در سوئد اقامت گزیدند.

زندگی جهانی او هنگامی آغاز گردید که دریافت به دلیل تعصبات و عقب ماندگی های خانواده اش از حقوقی برابر نسبت به هم سن و سالان خود در جامعه برخوردار نیست. تجاوز به حقوق ابتدایی فاطمه از طرف پدرش به حدی بود که او قصد داشت فاطمه را در سن ۱۶ سالگی غیباً به ازدواج یکی از بستگانش در آورد. اما فاطمه تسلیم نشد و همین امر باعث شد که بارها و بارها مورد اذیت و آزار روحی و جسمی قرار گرفت. پس از آشنا شدن فاطمه با یک جوان سوئدی این فشار دو چندان گشته تا به

جایی که فاطمه به خود جرات داد و از آنها شکایت کرد. برادرش فاطمه را جلو چشمان ناباور حاضرین در دادگاه کتک زده و او را تهدید به مرگ کرد. دادگاه برادرش را به ۵ ماه زندان محکوم کرد.

از آن پس فاطمه به دلیل تهدید جانی از طرف پدرش مجبور به زندگی مخفی شد. تحمیل زندگی مخفی به او اما مانع از فعالیتهايش عليه سنن و آداب و رسوم متحجر نگردید. او شنبه ۲۱ ژانویه پس از چهار سال زندگی مخفی، وحشیانه با شلیک گلوله توسط پدرش به قتل رسید. مرگ فاطمه شوک بزرگی برای جامعه سوئد بود. اگر چه این تنها مورد نبود. سالانه در کشورهای اروپایی این فرهنگ دهها قربانی از دختران و زنان جوان می گیرد. دو سال قبل پلا، دختر ۱۹ ساله سوئدی در کردستان عراق توسط عموهایش به قتل رسید. چند ماه قبل دختر جوان دیگری با ضربات چاقو توسط برادرش به حد مرگ رسید. سیاست راست دولت سوئد در مقابل مهاجرین و دامن زدن به ایزوله کردن خارجیان،

فضا را برای جریانات متعصب مذهبی و عقب مانده مساعد نموده تا بر خانواده های خود، کودکان و زنان، کنترل داشته باشند.

رسانه ها به کرات فیلم مصاحبه با فاطمه را که خواهان حفاظت بیشتر بوده و خطر مرگ خود را هشدار داده بود پخش می کردند. مسئولین دولتی عاجز از هر گونه جوابی به ساده انگاری خود در مقابل تامین جانی فاطمه و صدها نمونه مشابه اقرار نمودند. یک بار دیگر رسانه های جمعی صحنه رودرویی گرایشات متفاوت اجتماعی گردید. قتل فاطمه چنان فضای عمومی را علیه اسلام و تعصبات ملی - قبیله ای شورانده بود که حتی دو آتشه ترین طرفداران ناموس و عفت را در موضعی تدافعی قرار داده آشکارا به دروغپردازی پرداختند.

آنها ادعا می کنند که این گونه اعمال وحشیانه برای آنها نا آشناست و در کردستان چیزی به اسم قتلهای ناموسی وجود ندارد! تاسفشان نه به خاطر مرگ فاطمه، بلکه برای لکه دار شدن حیثیت «مردان کرد» است.

نزدیک به ۵ هزار قتل ناموسی زنان در کردستان عراق و هزاران نمونه مشابه در ترکیه، ایران، اردن، سوئد و هر کشور دیگری که سایه شوم مذهب و ناسیونالیسم و باورهای عقب مانده قرون وسطایی بر سر آنها سنگینی می کند، گواهی بر پوچی ادعاهای آنان است. تنها در کردستان عراق آمار قتلهای ناموسی در دهه اخیر و زیر حاکمیت احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق چیزی کمتر از کشتار زنان در اردن و سوئد نبوده است. در کردستان عراق هنوز بر طبق قوانین زن سستیانه و ضد بشری دولت صدام عمل می کنند.

ناموس پرستی و قتلهای ناموسی ریشه در مناسبات گنبدیه عشیره ای، اسلامی دارد. بر طبق دین اسلام زن مایملک مرد است و حق استفاده انحصاری از او به دست شوهر. چنین فرهنگی با تقدیس بکارت به فرودستی کامل زن حکم داده و او را تا حد یک برده تنزل می دهد.

روزانه هزاران دختر جوان در کابوس مرگ های ناموسی بسر

شوند یک نفر بلندگو را از دست وی قاپید و به شعار دادن علیه رژیم پرداخت و نیروهای سرکوبگر هاج و واج درمانده نظاره گر بودند. تظاهرکنندگان در این روز قدرت خود را در تجمع هایشان دیدند. نکته دیگری که در این حرکت باید به آن اشاره شود تداوم و استمرار آن می باشد در طول حاکمیت ارتجاعی رژیم اسلامی علیرغم تمام فشارها و سرکوب و خفقان موجود، مبارزات بسیاری به شیوه های مختلف در مقاطعی انجام گرفته که خیلی وقت ها توأم با خونریزی و دستگیری های وسیع همراه بوده اما کمتر نمونه ای می توان پیدا کرد که چنین مداوم و هر بار تعرضی تر، قدرتمندتر و سراسری تر باشد.

واقعیت این است از همان روز اول که این حرکات شروع شد رژیم و مبلغین و مروجین ریز و درشتش تلاش کرده اند که این اعتراضات را صرفاً صنفی جلوه دهند اما مطالبات و شعارهای مطرح شده پوچ بودن این ادعا را نشان می دهد.

جانبیتکاران حاکم بر ایران از

های دیگر اقشار جامعه و ضد دولتی بودن آن بوده که سرعت توانست حمایت اقشار دیگر جامعه را به خود جلب کند. وقتی که کارگران چند کارخانه و کارگاه در تهران برای دفاع از حقوق خود به جلو مجلس آمده بودند و معلمین شعار دادند "کارگر مبارز حمایت حمایت و کارگران به آنها پیوستند ویا هنگامی که در جلو دانشگاه با پیوستن دانشجویان به این حرکت که با دادن شعار معلم دانشجو اتحاد اتحاد" همراه بود همچنین پیوستن بازنشستگان به این حرکت اعتراضی در یکی از شهرهای شمال ایران جلوه هایی از این همبستگی شورانگیز را به نمایش می گذاشت.

نکته قابل توجه دیگر این حرکات و تظاهرات های همزمان در سراسر کشور تعرضی و قدرتمند بودن آن و ضعف و ناتوانی رژیم آدم کشان اسلامی در مقابل اعتراض یکپارچه مردم بود. هنگامی که یک افسر پلیس در یکی از خیابانهای مسیر راهپیمایی با بلندگو از تظاهرکنندگان خواست که متفرق

آموز وسایر اقشار مردم می آیند اولین بار است که در روز روشن و در حالیکه دودادور ساختمان مجلس را نیروهای سرکوبگر محاصره کرده بودند شعار مرگ بر این مجلس بی کفایت داده می شود.

جنبه دیگر قابل توجه این حرکت دامنه گستردگی آن بود. این اعتراض به تهران محدود نماند بلکه بسرعت سراسر ایران را درنوردید. خواست و مطالبات معلمین تهران با توجه به خصلت عمومی اش فوری از طرف معلمین و مردم دیگر شهرها مورد حمایت قرار گرفت از رضائیه تا برازجان و کرمانشاه و اصفهان و رشت و...چه آنهایی که در جلو ادارات آموزش و پرورش ها جمع شده بودند، چه آنهایی که خیابان ها را به صحنه تظاهرات پرشور خود تبدیل کرده بودند و چه آنهایی که بامامورین سرکوبگر درگیر شدند همه ضمن داشتن شعارها و مطالبات مشترک، رژیم را به مصاف می طلبیدند..

جنبه دیگر و با اهمیت این اعتراض، در برگرفتن خواست

شعارها و مطالبات...

سران رژیم و آقازاده ها و یا مطالبه معلمان کرمانشاه که خواهان تشکیل کانون مستقل معلمان شدند همه نشان از خواست های عمیقاً برابری طلبانه و عدالتخواهانه ای است که به وضع موجود نه تنها راضی نیست بلکه می خواهد از همه امکانات رفاهی برخوردار باشد. راستی چرا باید حقوق کارگر و معلم وسایر افراد این از این مفتخوران کمتر باشد؟ آیا این مفتخوران اصلاً کار می کنند؟ آیا زحمت می کشند؟ کار اینها غیر از درست کردن وسازمان دادن سپاه و ارتش و بسیج و دادگاه و مجلس و دولت و سایر دم و دستگاہهای سرکوبگر شان برای به بند کشیدن و بی حقوق کردن همین مردم چیست؟

نکته دیگری که در شعارها برجسته بود اخطار دادن به مجلس و کروی و سایر حکومت گران می باشد که اگر به خواست هایشان جواب داده نشود این بار همراه با دانش

◀◀ قتل ناموسی در قلب اروپا

می برند، اما با همه این درنده خوبی این فرهنگ قرون وسطایی ما شاهدیم که چطور مردم این قوانین را زیر پا گذاشته و قید و بند ها را می شکنند. امروز دیگر ارتجاع اسلامی در هر لباسی که ظاهر گردد آبرویافته، کریه و گندیده

است. در حالی که حتی تفسیرهای معتدل از اسلام نتوانسته است تنفر میلیونها انسان را در ایران مهار سازد، ساده انگاری محض است که باور داشت ارتجاع ملی دست در دست توحش اسلامی بتواند در مقابل مبارزه مردم برای

مدرنیسم و جامعه ای آزاد و برابر مانع شود. باید به صف مبارزه جهانی بر علیه این فرهنگ ضد انسانی و زن ستیزانه پیوست. اما مبارزه علیه این فرهنگ ضد انسانی منوط به مبارزه علیه شرایطی است که این فرهنگ ضد انسانی را می سازد. مبارزه علیه رسوم و سنن عقب مانده جدا از مبارزه

علیه فقر، استثمار، جهل و خرافه نیست. پیش شرط برپایی جامعه ای سکولار، کوتاه کردن دست ننگین مذهب از زندگی و شئونات خصوصی مردم است: جامعه ای که در آن هر گونه دخالت مراجع دینی، عرفی و بستگان زن در زندگی خصوصی، عاطفی و جنسی زن را ممنوع می کند،

جامعه ای که تحقیر به زنان را در هر شکلی و تحت هر پوشش فرهنگی یا دینی ممنوع کرده و برخورد قانونی به آن می کند، و بالاخره جامعه ای که با قوانین انسانی و برابری طلبانه سد راه رسوم دست و پا گیر و عقب مانده فرهنگی و ناموسی می گردد.

۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ □

چند گزارش خبری

سندج:

مزدوران رژیم به دستفروشان حمله کردند

امروز دوشنبه اول بهمن (۲۱ ژانویه) ساعت ۸ عصر در میدان اقبال نیروهای انتظامی به مسئولیت کسی به اسم حبیب‌نصرتی به دستفروشان حمله میکنند. مردم به این عمل اعتراض میکنند، اما مزدوران رژیم از اینکه خیابانها مقداری

خلوت بوده است و کمتر نگران تجمع مردم بوده‌اند استفاده کرده و بساط دستفروشان را به هم زده‌اند. پسر بچه‌ای که تعداد کمی موز را برای فروش در دست داشته و موزهایش توسط نیروهای رژیم پرت شده، در حالی که گریه میکند میگوید: حالا من چکار کنم؟ مزدوران رژیم در کمال بی‌شرمی میگویند، "میتوانید مواد بفروشید!" در خاتمه این وحشیگری، ۴ نفر از دستفروشان

دستگیر و افراد مسلح رژیم آنها را همراه خود میبرند. مردم فکر میکنند دلیل این کار رژیم ایجاد ترس برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی معلمین و مردم سندج در فردا سه‌شنبه برای دفاع از خواست معلمین در تهران است.

سردشت:

مزدوران رژیم به غارت اموال مردم پرداختند! روز سه‌شنبه ۲ بهمن نیروهای انتظامی در منطقه آلان سردشت، بخشی از اموال مردم را که به قصد فروش به طرف شهر می‌آوردند، تحت نام اینکه اینها

اموال قاچاق میباشند به غارت بردند. مردم به این عمل مزدوران رژیم اعتراض کردند، اما علارغم اعتراضات مردم قسمتی از اموال آنان از جمله مقداری توتون به دستور فردی به اسم نوری که فرمانده نیروهای گشت رژیم است به غارت برده شد.

* همچنین طی هفته گذشته گروهی از پاسداران و بسیجی ها در روستای گولی در ۵ کیلومتری شهرک ربط به منزل فردی به اسم محمود شیخه حمله برده و اسلحه شکاری از را به همراه فشنگها و بقیه وسایل شکار و مقداری وسایل خانه اش

به غارت بردند. دو روز بعد گروهی دیگر به روستای دیگری به اسم «بانه ریز» بین سردشت و بانه به خانه شخصی به نام صالحه کورده حمله برده و بعد از بازرسی خانه اش اسلحه شکاری او را به همراه مقداری وسایل خانه و مقداری اجناس چون مشروب و قند و چایی به غارت بردند.

تعدادی از مردم مبارز سردشت در اعتراض به کمبود نفت جلو فرمانداری تجمع کردند!

روز دوشنبه اول بهمن تعدادی از مردم سردشت در اعتراض به عدم دریافت نفت کافی و ابراز ناراضی از شرکت شلماس که مسئولیت تقسیم نفت را به عهده دارد، در جلو فرمانداری سردشت تجمع کردند. مردم معترض اعلام داشتند، در شرایطی که به آنها نفت کافی نمی‌رسد، شرکت شلماس نفتی که در واقع باید به مردم داده شود را به قیمت بازار سیاه آن را به فروش رسانده و قسمتی را به همان قیمت به عراق می‌فرستد. گرچه فرمانداری سردشت قول داد مسئله را پیگیر کند اما تا کنون ترتیب اثری داده نشده است.

نسبیت فرهنگی
ارتجاعی است

کمیته کردستان
رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)
Tel: 0046 739 855 837
email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان
هاله طاهری
Tel: 0046 73 61 62 211
email: halale_taheri@yahoo.com

یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید و آنرا در میان دوستان و آشنایان خود وسیعا پخش کنید

از سایت روزنه بین کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعاتی ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

rowzane@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ایسکرا می پرسد

سخنی با فعالین کمونیست



ایسکرا: متشکل شدن مردم در مبارزاتشان بر علیه رژیم و در مقابله با مشکلات و مصائبی که گریبانگیرشان است امروزه اشکال متنوعی بخود گرفته است و با گذشته کمتر قابل مقایسه است شما چگونه فکر میکنید؟

اسد گلجینی: به نظر من هم تغییرات زیادی در سازمانیابی و متشکل شدن مردم در مبارزاتشان بوجود آمده است. مسئله اصلی اینست که تناسب قوا بسیار به نفع مبارزه رادیکال مردم تغییر کرده است. فکر میکنم تشخیص این شرایط برای دخالت موثر و رهبری این مبارزات بدرستی و همانگونه که هست چه برای ما و چه برای فعالین کمونیست در شهرها اهمیت دارد و کمک جدی به فعالیت ما میکند. ببینید زمانی که جنبش توده ای برای برچیدن این رژیم وجود نداشت مبارزین انقلابی و کمونیستها در محافل و جمع های خود در تلاشهایی مستمر به مبارزه برای متشکل کردن همکارانشان مشغول بودند و در تلاش برای ایجاد پیوند مبارزاتی بین بیشترین همکاران و دوستان بودند و هیچگاه هم خفقان و استبداد و بگیر و ببند های جانین اسلام نتوانست این سطح از فعالیت و با هم بودن این جمع ها را در محل های کار و زندگی مردم برچیند. امروز اما آن سطح از روابط جای خود را به ارتباطات وسیع و روابط وسیع و بعضا تشکل های بزرگ داده است. همه کسانی که امر

علاوه بر این در همین سالهای اخیر خود جمهوری اسلامی در پی ایجاد تشکل هایی بخصوص برای جوانان بر آمدند. رژیم و مقامات مسئولش در هر شهری در تلاش برای مهار مبارزات مردم و جوانان از این طریقها بوده اند و سعی میکنند این تشکلها در چهارچوب مسایل فرهنگی و صنفی محدود بمانند، اما مبارزه مردم، وضعیت مردم و جوانان و زنان و استبداد و خفقان اسلامی و... و وضعیت بحرانی حکومت به همه مسایل رنگ و بوی سیاسی داده و هرکدام از این تشکل ها میتواند بر علیه خود رژیم بکار گرفته شود. اینها هم در حال حاضر بخشی از این واقعیت سازمانیابی و روابط گسترده میان اقشار مختلف مردم است. این هم شرایط و فرصتی است که یک سازماندهی کمونیست در هر محیطی که قرار گرفته میتواند از آن هم برای سازماندهی مبارزه مورد استفاده قرار دهد.

ایسکرا: در چنین شرایطی یک سازماندهی کمونیست باید چکار کند؟

اسد گلجینی: سطح سازمانیابی مردم در هر جایی و در هر شهری چگونه است را باید برسمیت بشناسد و در مبارزه جاری جامعه، به آن متکی باشد. به نظر من این شرط ضروری شروع سازماندهی مبارزاتی است که در حال حاضر در جامعه و در میان کارگران، جوانان، زنان، در میان معلمان، کارمندان و نویسندگان و هنرمندان و ... هست و تشخیص داد که سازماندهی این اعتراض توده ای و متشکل کردن و متکی کردن مبارزات بر تشکلهایی دائمی که قدرتش را از نیروی متشکل شده میگیرد (مجامع عمومی) کار و وظیفه یک سازماندهی کمونیست است. هر جا که تشکلی وجود ندارد مبارزه و فعالیت برای درست کردن آن باید شروع شود و هر جا که تشکلی وجود دارد (دولتی و ابزار دولت نباشد) فعالانه باید در آن فعالیت کرد و آن را به ابزار پیشبرد خواستهای اعضایش تبدیل کرد.

در جریان است نیاز به رهبران و فعالینی دارد که نمایندگی این اعتراض و مبارزه را در همان بعد توده ای و در همان بعد اجتماعی انجام دهند؛ هر مبارزه ای متکی بر روابط و تشکلی است و برای خود، رهبران و پیشروانی دارد، فعالین کمونیست و سازماندهان کمونیست وقتی میتوانند جامعه را بسوی آرمانهای خود پیش ببرند و هدایت کنند که بعنوان فعالین در میدان مبارزه اجتماعی، و رهبران این مبارزات شناخته شوند و خود را به جامعه بشناسانند. این شرط لازم برای حضور اجتماعی و نقش رهبری کننده آلترناتیو کمونیسم کارگری در هر شهر و دانشگاه و مدرسه و محل و مکانی است. داشتن روابط محفلی با دیگر همفکران و همکاران و فعالین مبارزات مردم کاریست لازم و ضروری و باید همچنان ادامه یابد اما محدود شدن به این جنبه از کار در چنین شرایطی ابدا نمیتواند پاسخگوی نیاز مبارزاتی و متشکل کردن این مبارزات و رهبری آن بوسیله رهبران کمونیست باشد. هر فعال و سازماندهی کمونیست در محیط خود بعنوان نماینده بخشی از این خواستها و مطالبات مردم در صحنه جامعه و در مقابل چشم همه باید حضور داشته باشد تا خواستهای مردم و اهدافی که از این مبارزات دارند بدرستی نمایندگی و تامین شود، باید در جلو صحنه بود و ملزومات در جلو صحنه ماندن در هر شرایطی را هم آموخت.

امیدوارم مسایل طرح شده در این گفتگو مورد بحث فعالین کمونیست قرار بگیرد، راه حل ها و مشکلات و موانع قدم نهادن به این سطح کار مورد بحث قرار بگیرد و بتوانیم بیشتر به همه ظرافت ها و دقایق این سطح از فعالیت و مسایل متعدد دیگری که وجود دارد بپردازیم.

به
حزب کمونیست
کارگری کمک
مالی کنید

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!